

## جایگاه فقه در حقوق و اخلاق حرفه‌ای سردفتر

محمد رضا شرافت پیما\*، محمد ربیعی نیا\*\*

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۴/۲۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۶/۲۰)

### چکیده

حقوق و اخلاق حرفه‌ای به عنوان پدیده‌ای نوظهور دنیای امروز، پژوهشی بین رشته‌ای است، که می‌توان جایگاهش را در فقه و منابع معتبر فقه اسلامی یافت. از این رو این سوال را به ذهن متبادر می‌کند که آیا تصور برقراری رابطه‌ای منطقی میان حقوق و اخلاق حرفه‌ای سردفتر با مباحث فقهی، صحیح است یا خیر؟ آیا اساساً فقه را باید متکفل این حوزه قلمداد کرد؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، مبنای وجود این رابطه منطقی چیست؟ در مقام پاسخ باید اذعان داشت که موضوعات مطروحه در حقوق و اخلاق حرفه‌ای سردفتر، علی‌رغم نوین بودن آنها، رابطه‌ای مستقیم با کسب و کار و ارائه خدمات حاکمیتی سردفتر داشته و علمی مانند حقوق و اخلاق به بهبود و استحکام اینگونه روابط و تعاملات، می‌پردازد. از سوی دیگر، فقهاء و علمای دینی اسلام در کتب فقهی خود، مباحثی را تحت عنوان «آداب کسب و کار»، «آداب تجارت» (تجارت به معنای عام) و نظیر اینها مطرح نموده‌اند. لذا از آنجایی که حقوق و اخلاق حرفه‌ای مورد توجه فقهاء بوده بنابراین به تبعیت از آن می‌توان موضوعات مطروحه در حوزه حقوق و اخلاق حرفه‌ای سردفتر را با آن دیدگاهها تطبیق داد.

### کلیدواژگان

اخلاق حرفه‌ای، آداب کسب و کار، حقوق حرفه‌ای، سردفتر، نهادهای حمایتی.

\* نویسنده مسئول: استادیار، گروه حقوق خصوصی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

رایانامه: sharafatpeima@yahoo.com

\*\* کارشناس ارشد حقوق خصوصی، سردفتر اسناد رسمی، گیلان، ایران

## مقدمه

آداب کسب و کار و تجارت از جمله مواردی است که در فقه و اخلاق مورد اشاره قرار گرفته است. در علوم امروزی کسب و کار اعم از داد و ستد کالا و خدمات بوده که تصدی سردفتری هم از این مقوله مستثنی نیست.<sup>۱</sup> طبق نظر صاحب جواهر «مراد از تجارت در اینجا، مطلق معاوضه و هرگونه مبادله است همانطوری که در آیه شریفه آمده است و خدا فرموده است: (اموالتان را در میان خود به باطل نخورید) مگر این که مبادله مال از روی رضایت شما (طرفین) باشد» (نجفی/۱۳۹۳/ج ۱/۲۲). لذا با استعانت از این تعبیر سعی شده ضمن تبیین مفاهیم حقوق حرفه‌ای و اخلاق حرفه‌ای سردفتر، برخی از مقولات فقهی موردنظر و مرتبط، حتی در باب رعایت آداب کسب و کار سردفتر هم مطالعه شود. پس رعایت آداب کسب و کار، لزوماً به مفهوم خرید و فروش کالا به معنای اخص تجارت نمی‌باشد بلکه اعم از این مصادیق است. فرازی از شرح لمعه اختصاص به «کتاب متاجر» دارد که «متاجر، جمع متجر بر وزن مفعل از ماده تجارت به معنای کسب کردن است» و متاجر در مفهوم مصدر میمی، به معنای تجارت کردن به کار رفته و این تعبیر موردنظر است (شهید ثانی/۱۳۹۳/ج ۶/۶۰). از دیدگاه امام خمینی (ره) نیز هرکسی که قصد کسب و کار و تجارت نمودن را داشته بر او واجب است که احکام و مسایل مربوطه را آموزش ببیند (امام خمینی/۱۳۸۶/ج ۱/۲/۵۰). امام علی (ع) در نهج البلاغه می‌فرماید: «کسی که بدون آموزش فقه اسلامی تجارت کند، به رباخواری آلوده شود» (نهج البلاغه/حکمت ۷۳۶/۴۴۷). بنابراین آموختن، فراگیری و حتی آگاهی یافتن از آداب و احکام کسب و کار بر اشخاص واجب است و سردفتر هم به عنوان فردی که اهتمام به امرار معاش و کسب و کار دارد مکلف به رعایت آن خواهد بود. اما در مقام پاسخ دادن به این پرسش‌ها یعنی «تصور برقراری رابطه‌ای منطقی میان حقوق و اخلاق حرفه‌ای سردفتر با مباحث فقهی»؛ «تصور متکفل بودن فقه» و «مبنای وجود این رابطه منطقی در

۱. «فقه فیما بتولاه؛ یعنی دانستن احکام و مسایل کارهایی که متکفل می‌شود و تصدی آن را بر عهده می‌گیرد»

(شهید ثانی/۱۳۹۳/ج ۶/۱۴۲).

این حوزه‌ها» باید به تبیین منابع و همچنین خاستگاه حقوق و اخلاق حرفه‌ای با مصادیق فقهی و اینکه آیا از حیث منابع و مصادیق یکسان هستند یا خیر، پرداخت.

### حقوق حرفه‌ای در حوزه منابع فقه و حقوق

از آنجایی که حقوق ایران برگرفته از فقه اسلامی است بنابراین بهره‌گیری از منابع فقهی در حوزه حقوق و به تبع آن حقوق حرفه‌ای<sup>۱</sup> لازم‌الاتباع است. از نظر بعضی منابع حقوق عبارتند از: ۱. قانون (اساسی، عادی، تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولتی) ۲. عرف ۳. رویه قضایی و اندیشه‌های حقوقی یا همان دکترین حقوق (کاتوزیان/۱۳۸۰/۱۲۱) و برخی دیگر آن را چنین برشمرده‌اند: ۱. قانون (اساسی، قوانین میانه، قوانین عادی یا پارلمانی، قوانین غیرپارلمانی) ۲. شریعت و فقه اسلام (منابع معتبر اسلامی، فتاوی معتبر) ۳. عرف ۴. رویه قضایی ۵. دکترین و اصول کلی حقوقی (دانش پژوه/۱۳۹۱/ج ۱۷۲/۲). از نظر اصولیین و فقهای امامیه، منابع فقه و ادله استنباط احکام به ترتیب عبارتند از: ۱. کتاب ۲. سنت ۳. اجماع و ۴. عقل (محمدی/۱۳۸۰/۱۴۳). به جهت تأسی حقوق موضوعه ایران از شرع مقدس اسلام، لذا انطباق وضع مقررات با همین موازین شرعی و اصول فقهی به عنوان یک ضرورت، مورد پذیرش قرار گرفته که این خود مؤید اهمیت شناخت منابع فقهی در این حوزه است (همان/۲۶). پس همانطور که حقوق حرفه‌ای زیرمجموعه‌ای از حقوق بوده و با عنایت به پیروی حقوق ایران از فقه و منابع فقهی از یکسو و همچنین با مطالعه سوابق فقهی و توجه به احکام وضعی و وضع قانون نیز که مورد تأیید شارع مقدس بوده و نبودن هیچگونه منعی در این رابطه از دیگرسو، لذا با عنایت به اصل اباحه نیز برخوردار و وحدت منابع در حوزه حقوق حتی حقوق حرفه‌ای و وضع قوانین و مقررات مترقی در جهت حفظ مصالح عامه ضرورت دارد.

## حقوق حرفه‌ای متأثر از کارکرد حق

جایگاه و خاستگاه اصلی حقوق حرفه‌ای در کارکرد نهادی حق متبلور می‌شود و تحقق این حق زمانی است که از سوی نهادها برای استیفای حقوق حرفه‌ای، مطالبه گردد. به موجب دیدگاه بسیاری از اندیشمندان حقوق که درباره کارکردهای حق، مختلف بوده فلذا یکی از آن کارکردها، «نهادی بودن حق»<sup>۱</sup> است. به تعبیر صحیح‌تر «حق‌ها می‌توانند... نهادی باشند، یعنی (این که خود) نهادها آنها را شناسایی و اجرا کنند...» (هال/۱۳۹۱/۴۳) و حتی از نگاه بعضی دیگر «حقوق زمانی به وجود می‌آید که نهادها شروع به اعلام، اجرا و اعمال هنجارها می‌کنند (و) حقوق در شکل نهادی‌اش، بر پهنه اساسی ناهمسان‌سازی‌های تفاوت اجتماعی اثر می‌گذارد» (تاماناها/۱۳۹۱/۱۳۹). با توجه به این ویژگی حق، شاید بتوان گفت که تبلور شخصیت حقوقی از مصادیق همین کارکرد نهادی حق باشد. به بیان دیگر، فلسفه وجودی ظهور بسیاری از نهادهای حمایتی نظیر «کانون سردفتران و دفترياران» و غيره به عنوان شخص حقوقی در همین راستا بوده که این مقوله در فقه و حقوق اسلامی هم دارای پیشینه است. وجود نمونه‌هایی از قبیل منصب امامت و رهبری (ولایت فقیه) به عنوان مالک انفال، یا امت اسلام (مسلمین) به عنوان مالک اراضی خراجیه<sup>۲</sup> و یا سایر موارد از قبیل وقف (موقوفات)، عناوین عامه (غیرمحصوره) مثل فقراء به عنوان مالک زکات و نیز جهات عامه، جملگی، بیانگر دیرینه بودن مفهوم شخصیت حقوقی در فقه اسلامی است (صفار/۱۳۹۰/۷۶). دلیل اهمیت کارکرد نهادی حق تا بدانجاست که حتی از سوی فقهاء دلایل مختلفی و حتی آیات قرآن<sup>۳</sup> برای پذیرش یا عدم پذیرش ولایت حاکمان جور و ظلم و نیز قبول مناصب و مشاغل در حکومت آنان بیان شده و این خود، حقوق و تکالیفی را بر دوش اشخاص

### 1. The Institutional Right

۱. زمین‌هایی که از طریق جنگ و یا لشکرکشی به مسلمانان می‌رسید و در اختیار حاکم اسلامی قرار می‌گرفت را اصطلاحاً مفتوح العنوه می‌گفتند» (فخارطوسی/۱۳۸۷/ج ۹/۹).
۲. آیه شریفه ۱۸۸ از سوره مبارکه بقره: «وَأُدُلُّوا إِلَى الْحُكْمِ لِئَاكُلُوا قَرِيبًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» و آیه شریفه ۶۰ از سوره مبارکه نساء: «يُرِيدُونَ أَنْ يُتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَ قَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَ يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا».

قرار داده است (فخارطوسی/۱۳۸۷/ج/۸۸/۷-۹۲)؛ (عمیدزنجانی/۱۳۸۸/۳۶۸-۳۷۱)؛ (قبیله‌ای خویی/ ۲۳۷/۱۳۸۹). به طور مثال بر اساس فرازی در تحریرالوسیله چنین آمده است: ورود به منصب‌ها، تصدی‌ها و مشاغل دولتی در زمان حکومت ظالم مورد نکوهش قرار گرفته هرچند که شغل موردنظر، مشروع باشد. اما زمانی که کسی تشخیص دهد که از طریق آن شغل می‌تواند به حفظ مصلحت مسلمانان و جلوگیری از بروز هرگونه مفسده و منکر دینی و شرعی کمک نماید، داخل شدن به آن شغل برای او تکلیف ایجاد می‌کند (امام خمینی/۱۳۸۶/ج/۲/۵۰۶)؛ (فخارطوسی/۱۳۸۷/ج/۱۰۷/۱۰۶-۱۰۷). به عبارت بهتر، کارکرد اصلی حق در حوزه نهادی بودنش (منصرف از نوع حکومت) می‌تواند مؤثر و مفید به حال عموم باشد. نتیجه اینکه هدف از طرح این مبحث آنست که هر نهاد حمایتی<sup>۱</sup> به عنوان یک شخصیت حقوقی، ممکن است منشاء ایجاد حق گردد. فلذا با توجه به نهادی بودن حق و بیان مثال‌هایی از نحوه اعمال و اجرای حق توسط برخی نهادهای حمایتی در فقه، می‌توان به مصادیق منشاء ایجاد حق حتی در حوزه حقوق حرفه‌ای سردفتر دست یافت. از این رو برای تبیین بهتر موضوع نحوه اجرا و اعمال کارکرد نهادی حق و بررسی منشاء ایجاد این گونه حق در حوزه حقوق حرفه‌ای، تحلیل بعضی عناوین ضروری است که عبارتند از: هم‌اندیشی و اجماع سردفتران و ایجاد وحدت رویه ثبتی.

### هم‌اندیشی و اجماع سردفتران

یکی از مصادیق تأثیرپذیری حقوق حتی حقوق حرفه‌ای از نهاد حمایتی که می‌تواند منشاء ایجاد حق گردد همین مقوله هم‌اندیشی و اجماع است. از نظر اصولیین، اجماع یکی از ادله استنباط احکام بوده و جزء منابع فقه اسلامی محسوب می‌شود<sup>۲</sup> (مظفر/۱۳۹۱/ج/۳/۱۸۶). بر اساس تعریفی «اجماع در لغت به معنای اتفاق (نظر) است. خداوند در آیه ۱۵ سوره یوسف می‌فرماید: همین که

#### 1. Supporting Institutions

۱. البته طبق نظری مخالف «اجماع را جزو منابع حقوق نمی‌توان دانست. در حقوق اسلام هم این مسأله اختلافی است» (جعفری‌لنگرودی/۱۳۸۲/۱۰۲).

یوسف را به صحرا بردند، اتفاق نظر پیدا کردند که او را در چاه بیندازند» (سبحانی/۱۳۸۷/ج ۲/۱۰۶). از نظر فقهاء و علمای اهل تسنن و تشیع، اجماع در معنای اصطلاحی، تعاریف مختلفی داشته و حتی مستند حجیت اجماع نیز محل اختلاف است. چراکه از دیدگاه اهل سنت مبنای حجیت اجماع، حدیث نبوی است که می‌فرماید: «امت اسلام به خطاء و باطل اتفاق نمی‌کنند»<sup>۱</sup> اما از نظر علمای شیعه، اجماع در صورتی حجیت دارد که کاشف از قول معصوم (ع) باشد (مظفر/۱۳۹۱/ج ۳/۱۸۶)؛ (محقق داماد/۱۳۸۷/۹۳). یکی از اقسام اجماع، اجماع تخصصی یا همان اجماع اهل تخصص است که در اصول فقه از آن به عنوان اجماع معتبر در فنون علم هم تعبیر شده و مقصود، اجماع متخصصین در یک زمینه خاص علمی است (انصاری- طاهری/۱۳۸۸/ج ۱/۹۷). این دیدگاه از نظر فقهای امامیه حتی در صورتی که اتفاق نظر در گروه اندکی نیز بوجود آید چنانچه کاشف از قول معصوم (ع) باشد حجیت دارد و در حکم اجماع است (مظفر/همان). به نظر می‌رسد ضرورت وجود اجماع تخصصی در حوزه‌های مختلف، خود مؤید منشاء ایجاد حق در حیطة حقوق حرفه‌ای است و به تعبیر امام خمینی (ره) در تحریرالوسیله می‌تواند ایجاد تکلیف برای احیای حقوق عامه حتی در زمان حکومت جائران نیز نماید.

### ایجاد وحدت رویهٔ ثبتي

از دیگر مصادیق تأثیرپذیری حقوق حرفه‌ای از نهاد حمایتی که منشاء ایجاد حق می‌شود ایجاد وحدت رویه بوده که در حوزه سردفتری این مقوله یکی از وظایف کانون سردفتران و دفتریاران طبق مادهٔ ۶۶ قانون دفاتر اسناد رسمی ایجاد وحدت رویهٔ ثبتي است و از جمله منابع حقوق نیز محسوب می‌گردد. گاهی به اشتباه چنین گمان می‌رود که اندیشهٔ رویهٔ قضایی در حقوق اسلام وجود نداشته و برگرفته از حقوق لائیک است، اما به موجب مستندات میان اهل تسنن و تشیع، این نظریه نفی می‌گردد و حتی از آن تحت عنوان «مکتب رویهٔ قضایی» یاد شده است

۲. «لا یَجْتَمِعُ أُمَّتِي عَلَى الْخَطَا».

(جعفری لنگرودی/۱۳۸۲/۱۸۰-۱۸۱). در میان منابع روایی به ویژه آیات قرآن، مستندات محکمی در رابطه با وجوب حاکمیت قضایی عنوان شده، نظیر آیات شریفه ۴۸ و ۴۹ از سوره مبارکه نور و آیه ۲۶ از سوره مبارکه «ص» و آیه ۳۰ از سوره بقره<sup>۱</sup> که اشاره به این امر دارد (عمیدزنجانی/۱۳۸۸/۳۷۸)؛ (قبیله‌ای خویی/۱۳۸۹/۲۳۵-۲۴۰). همچنین در باب قضاوت شرح لمعه شهید ثانی یکی از وظایف قاضی، توانایی علمی وی و تلاش و تحقیق فراوان او در این زمینه عنوان شده که مستند آن آیه ۶۹ از سوره عنکبوت است (شهیدثانی/۱۳۹۰/۱۱).<sup>۲</sup> بنابراین ایجاد وحدت رویه فقط منحصر به امر قضا نبوده بلکه این اجماع در میان فقهای امامیه علی‌رغم وجود اختلافات فراوان در اکثر مقولات حکایت از آن داشته که اتفاق نظرات مستند و متکی به دلایلی قطعی بوده و بدون پشتوانه مثل اتفاق نظر صاحبان آراء دیگر مذاهب نیست (سبحانی/۱۳۹۳/ج ۲/۲۰۶). پس همانگونه که پیشتر بیان شد با کارکرد نهادی حق، دو رویکرد متصور است که رویکرد اول در راستای استیفای حقوق حرفه‌ای نظیر افزایش توان علمی و تحقیقی است و رویکرد دوم که به تبع رویکرد اول است همان حفظ منافع عامه نام دارد که مورد توجه فقهاء و منابع فقهی است. بنابراین ایجاد وحدت رویه ثبتي هم از مصادیق احقاق حقوق عامه بوده و به نظر می‌رسد ایجاد وحدت رویه ثبتي به تاسی از اجماع، می‌باید مستند به دلایل قطعی شرعی و قانونی بوده تا حجیت داشته باشد و این امر اجتناب‌ناپذیر است.

### کارکرد اخلاق حرفه‌ای در منابع فقهی

از آنجایی که دایره شمول «مسئولیت» در بسیاری مسایل فلسفی، دینی، اخلاقی و حقوقی گسترده

۱. آیات شریفه ۴۸ و ۴۹ از سوره مبارکه نور: «وَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَ رَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ مُعْرِضُونَ\* وَ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ الْحَقُّ بِأَنْتُمْ أَلَيْهِ مُدْعَيْنَ» و آیه ۲۶ از سوره مبارکه «ص»: «يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَ لَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ» و آیه ۳۰ از سوره بقره: «وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً».

۲. «وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَ أِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ».

است لذا پذیرش مسئولیت نسبت به رفتار و اعمال اخلاقی مستقیم یا غیرمستقیم انسان، امری بدیهی است (مصباح‌یزدی/۱۳۸۹/۱۱۹-۱۲۱). در زمینه اخلاق حرفه‌ای<sup>۱</sup> هم ضمن قایل بودن به این تعامل و همکاری با سایر همکاران و رقباء نیز به تبع آموزه‌های دینی و سیره عملی، رعایت برخی اصول از منظر این مسئولیت‌های اخلاقی وجود دارد. حضرت امیر (ع) طی نامه‌ای خطاب به فرزندش حضرت امام حسن مجتبی (ع) در راستای رعایت حقوق دوستان می‌فرماید: «چون برادرت (دوستت) از تو جدا گردد، تو پیوند دوستی را برقرار کن، اگر روی برگرداند تو مهربانی کن، و چون بخل ورزد تو بخشنده باش، هنگامی که دوری می‌گزیند تو نزدیک شو، و چون سخت می‌گیرد تو آسان گیر، و به هنگام گناهش عذر او بپذیر، گویا بنده او می‌باشی، و او صاحب نعمت تو می‌باشد(نهج‌البلاغه/ نامه ۳۱ / ۵۳۴). با عنایت به فرازهایی از فرامین امام علی (ع) می‌توان به ضرورت مسئولیت فرد در مقابل دوستان و همکاران و ارزش والای رعایت موازین اخلاقی در حوزه اخلاق حرفه‌ای پی برد. بنابراین کارکرد اساسی رعایت اخلاق حرفه‌ای در مواجهه با همکاران که مورد توجه منابع فقهی و یا سیره معصومین «علیهم‌السلام» بوده بیانگر مسئولیت و تکالیفی است. بررسی بعضی از مصادیق آنها در اخلاق حرفه‌ای عبارتند از: رعایت اصل احترام به همکاران و حفظ حریم و اسرار شغلی آنان.

### رعایت اصل احترام به همکاران

احترام در واقع یک نوع فضیلتی است که درجات گوناگونی داشته و درجه پایین و بالای آن به عنوان احترام حداقلی و احترام حداکثری قلمداد می‌گردد(اخلاق سازمانی «مجموعه اخلاق حرفه‌ای ۲»/۱۹۰). یقیناً حوزه احترام در مقولات اخلاقی، منحصر به قشر یا جامعه خاصی نیست و تمامی آداب و رسوم حتی آداب و رسوم درون‌صنفی را شامل می‌گردد. حضرت امیر مؤمنان (ع) در این خصوص فرمودند: «هماهنگی در اخلاق و رسوم مردم، ایمن ماندن از دشمنی و کینه‌های



آنان است»<sup>۱</sup> (نهج البلاغه/حکمت ۷۲۶/۴۰۱). لذا کینه‌توزی و دشمنی را باید از موانع اصلی اجرای اخلاق حرفه‌ای نسبت به همکاران تلقی نمود. همچنین براساس فرایز از بیانات امام علی (ع) درباره پرهیز از دشمنی و کینه‌توزی نسبت به فردی که در تلاش بر ضد دشمن خویش بسیار می‌کوشید، چنین فرمودند که: «تو مانند کسی هستی که نیزه (را) در بدن خود فرو برد تا دیگری را که در کنار اوست بکشد»<sup>۲</sup> (نهج البلاغه/حکمت ۷۰۰/۲۹۶). نتیجه اینکه یکی از اصول اساسی برای جلوگیری از دشمنی و کینه‌توزی، تمسک به اصل اخوت بوده که از کارآمدترین و کامل‌ترین طرح‌های اسلام در برقراری عدالت اجتماعی - اقتصادی محسوب می‌گردد (ایروانی/۱۳۹۰/۱۴۵). به نظر می‌رسد دایره شمول این اصل مترقی اسلامی، معطوف به این حوزه نباشد و کارکردی ماورای این مقوله دارد اما می‌توان از آن به عنوان مبنایی فقهی - اسلامی برای تحقق اخلاق حرفه‌ای و اجرای اصل احترام نام برد.

### حفظ حریم و اسرار شغلی آنان (همکاران)

دسترسی به حریم خصوصی شغلی و حرفه‌ای دیگران، تحت هر عنوان ممنوع بوده و امری مذموم است. در تأیید این موضوع «حفظ اسرار» از منظر حضرت علی (ع) در نهج البلاغه اینگونه است: «شغل همراه با پاکدامنی، بهتر از ثروت فراوانی است که با گناهان به دست آید؛ مرد برای پنهان نگه داشتن اسرار خویش سزاوارتر است؛ چه بسا تلاش‌کننده‌ای که به زیان خود می‌کوشد، هرکس پرحرفی کند؛ یاهو می‌گوید، و آن کس که بیندیشد؛ آگاهی یابد» (نهج البلاغه/ نامه ۳۱/ ۵۳۲). فلذا با تفقه در فرمایش امام، دست یافتن به این نتیجه دور از ذهن نیست که یکی از آثار پاکدامنی در مشاغل و تصدی‌ها، حفظ اسرار قلمداد می‌شود. در منابع فقهی «حفظ حریم و حرمت» نیز در آداب تجارت به گونه دیگری قریب به این مضمون تحت عنوان «داخل نشدن در معامله دیگری»<sup>۳</sup>

۱. «مقارَبةً (مفارقة) النَّاسِ فِي أَخْلَاقِهِمْ أَمْرٌ مِنْ غَوَائِلِهِمْ».

۲. «إِنَّمَا أَنْتَ كَالطَّاعِنِ نَفْسَهُ لِيَقْتُلَ رِدْفَهُ».

۳. «ترک دخول المؤمن فی سوم آخیه».

بیان شده است که اقوال مختلفی دارد. در شرح لمعه شهید ثانی فرد مؤمن، حق دخالت در معامله برادر مؤمن خویش را تحت هر عنوان چه در خرید و چه در فروش ندارد (شهیدثانی/ ۱۳۹۳/ ج ۱۵۶/۶). طبق نظر صاحب جواهر از جمله مکروهات کسب و کار آن است که کسی در معامله برادر مسلمانش اعم از خرید یا فروش دخالت نماید (نجفی/ ۱۳۹۳/ ج ۳/ ۲۵۵). همچنین نظر امام خمینی (ره) در تحریرالوسیله چنین است: «وارد شدن به معامله‌ای که قبلاً مؤمنی گفتگوش را کرده و می‌خواهد آن را بخرد که بعضی از فقهاء به حرمت آن فتوی داده‌اند لکن به نظر ما مکروه است» (امام‌خمینی/ ۱۳۸۶/ ج ۲/ ۵۰۲). نتیجه اینکه با توجه به ظرافت و نیک‌اندیشی فقهاء در بیان مباحث «عدم مداخله در معاملات دیگری»، صرف نظر از حکم (حرام یا مکروه بودن)، نفس عمل چه در مبادلات کالا و چه در ارائه خدمات، مذموم و ناپسند بوده و این خود نیز از مصادیق حفظ حریم و حرمت نسبت به رقباء و همکاران به شمار می‌آید.

### رویکرد تکلیفی اخلاق حرفه‌ای در قبال دیگران

از آنجایی که واژگانی نظیر «حق» و «تکلیف» دو روی یک سکه هستند بنابراین در راستای استیفای حقوق حرفه‌ای، رعایت تکالیف حرفه‌ای در قبال دیگران و حفظ حقوق عامه، از بدیهی‌ترین مقولات اخلاقی به شمار می‌رود. در حوزه‌های مدیریتی و اخلاق سازمانی از این مبحث عموماً تحت عنوان «مشاری مداری» یا «اخلاق مشتری‌مداری» یاد می‌کنند و این مفهوم اخلاقی نیز در حوزه اخلاق حرفه‌ای هم نقش مهمی ایفاء می‌نماید (قراملکی/ ۱۳۸۸/ ۲۴۵). دیدگاه و سفارش امام علی (ع) در رابطه با نحوه معاشرت و طرز زندگی با مردم چنین است: «با مردم آنگونه معاشرت کنید، که اگر مُردید بر شما اشک ریزند، و اگر زنده ماندید، با اشتیاق سوی شما آیند»<sup>۲</sup> و همچنین «خوش‌رویی وسیله دوست‌یابی، و شکیبایی، گورستان پوشاننده عیب‌هاست... و

۱. «الدخول فی سوم المؤمن علی الأظهر و قیل بالحرمه».

۲. «خَالِطُوا النَّاسَ مَخَالِطَةً إِنْ مِثُّ مَعَهَا بَكَوْا عَلَيْكُمْ، وَ إِنْ عِشْتُمْ (عَبْتُمْ) خُنُوا إِلَيْكُمْ».

انسان از خود راضی، دشمنان او فراوانند»<sup>۱</sup> (نهج البلاغه/حکمت ۱۰/۶۲۴). از این رو جایگاه اصلی مشتری‌مداری، در صبغه تکلیفی اخلاق حرفه‌ای نمود بیشتری دارد. دیدگاه معصوم (ع) در خصوص طرز زندگی و نحوه معاشرت در معنای اعم آن، شامل آداب کسب و کار و تجارت نیز هست. حفظ حقوق عامه که در بیان فقهاء مشهود است در واقع همان حفظ نظم عمومی مورد توجه حقوق است که از اصول اساسی محسوب می‌شود. برخی مصادیق تکلیفی این رویکرد از اخلاق حرفه‌ای عبارتند از: «عدالت حرفه‌ای»، «صداقت حرفه‌ای» و «حفظ اسرار حرفه‌ای دیگران».

### عدالت حرفه‌ای

واژه عدالت علاوه بر آن که از مباحث مهم اخلاقی است، در حوزه حقوق نیز می‌توان آن را از بنیادی‌ترین اصول و مبانی برشمرد (امید/۱۳۸۲/۲۴۲). البته باید گفت که «عدالت» فقط منحصر به حوزه حقوق و اخلاق نبوده بلکه در فقه، کلام، سیاست، اقتصاد و بسیاری از حوزه‌های دیگر هم کاربرد دارد (دهقان/۱۳۹۲/۳۱). مثلاً در شرح لمعه شهید ثانی آمده که با طرف‌های معامله خود، انصاف و عدالت را به طور مساوی بین آنان رعایت نمایید و این نیز حکایت از همین امر دارد (شهیدثانی/۱۳۹۳/ج ۶/۱۴۳). از امام علی (ع) در رابطه با تفاوت میان عدالت و بخشش و برتری هریک بر دیگری پرسش شده که ایشان فرمودند: «عدالت، هر چیزی را در جای خود می‌نهد، در حالی که بخشش، آن را از جای خود خارج می‌سازد. عدالت، تدبیر عمومی مردم است، در حالی که بخشش، گروه خاصی را شامل است، پس عدالت شریف‌تر و برتر است» (نهج البلاغه/حکمت ۴۳۷/۷۳۴). در تصدی‌هایی نظیر قضاوت و سردفتری، به دلیل ارتباط مستقیم خدمات موردنظر با امور حاکمیتی، محدودیت‌ها و ممنوعیت‌هایی پیش‌روی سردفتر و قاضی گذارده شده که از آن جمله می‌توان در تصدی سردفتری به ماده ۵۳ قانون ثبت و ماده ۳۱ قانون

۱. «البشاشة جنالة المودو، و الإحتمال قبر العیوب... و من رضی عن نفسه کثر الشاخط علیه».

دفاتر اسناد رسمی<sup>۱</sup> از مصادیق ردّ سردفتر اسناد رسمی اشاره داشت (شهری/۱۳۸۸/۱۵۹). از دیدگاه امام خمینی (ره) به عدالت و انصاف رفتار کردن یعنی تفاوت قائل نشدن میان طرفین معامله بدین ترتیب که با همه به یک قیمت معامله کند اما تنها وجه رجحان در این خصوص می‌تواند به دلیل فضیلت و دین و امثال اینها باشد (امام خمینی/۱۳۸۶/ج ۱/۲/۵۰۱). لذا این نظر خود، بیانگر رعایت عدالت و انصاف و فرق نگذاشتن بین مراجعین به عنوان یکی از آداب کسب و کار (تجارت) بوده و رویکرد تکلیفی اخلاق حرفه‌ای در قبال دیگران است.

### صداقت حرفه‌ای

داشتن صداقت و شرافت حرفه‌ای یکی از مهم‌ترین اوصاف کسب و کار، حتی در تصدی سردفتری به شمار می‌آید. طبق ماده ۶۰ قانون ثبت و ماده ۳۰ قانون دفاتر اسناد رسمی، تنظیم و ثبت هرگونه سندی که مفاد و مدلول آنها برخلاف قوانین موضوعه، نظم عمومی و اخلاق حسنه باشد ممنوع است. اصل صداقت حرفه‌ای سردفتر ایجاب می‌کند که به منظور صرف کسب منفعت، اقدام به تنظیم و ثبت سند ننماید. براساس نظر امام خمینی (ره) شخصی که دنبال رزق و روزی است باید «با تائی و آگاهی اقدام کند و در طلب رزق، میانه‌رو باشد. نه تبلی و سهل‌انگاری کند و نه حرص بورزد» (امام خمینی/۱۳۸۶/ج ۲/۲/۵۰۲). در فقه هم این مقوله تا آنجایی است که اگر طرف معامله از انجام معامله خود منصرف و پشیمان شد (حتی در صورت فقدان خیار فسخ)، طرف دیگر نیز آن معامله را نادیده گرفته و برهم زند (همان/۵۰۱). امام صادق (ع) می‌فرمایند: «هر مسلمانی که عقد بین خود و مسلمان دیگر را اقاله [و فسخ] نماید خداوند متعال روز قیامت از لغزش‌ها و اشتباهاتش در می‌گذرد» (شهیدثانی/۱۳۹۰/۹۲). اگرچه تلاش برای کسب روزی حلال و امرار معاش، بسیار سفارش شده اما غفلت از رویکردهای تکلیفی ناشی از همان آداب تجارت یا به تعبیر بهتر عدم رعایت اخلاق حرفه‌ای هم امری ناپسند خواهد بود.

۱. ماده ۵۳ قانون ثبت اشاره به ممنوعیت تنظیم سند برای افراد تحت ولایت، وصایت، قیمومت و اقربای نسبی تا درجه چهارم و سببی تا درجه سوم و همچنین خدمه سردفتر داشته و ماده ۳۱ قانون دفاتر اسناد رسمی نیز همین موانع را برای اقربای نسبی و سببی تا درجه چهارم از طبقه سوم در نظر گرفته است.

### حفظ اسرار حرفه‌ای دیگران

حفظ اسرار و امتناع از افشای آنها در میان مشاغل و تصدی‌های مختلفی مشهود است که از آن تحت عنوان «اسرار حرفه‌ای» یاد می‌کنند. در واقع اسرار حرفه‌ای به آن دسته از اطلاعات محرمانه‌ای گفته می‌شود که مشتری به فراخور شرایط حرفه‌ای و شغلی صاحبان حرفه، در مدت زمان استمرار آن روابط حرفه‌ای برای وی بازگو کرده و در نتیجه آن نیز صاحبان مشاغل هم مکلف به رازداری گردند<sup>۱</sup> (رهبری/۱۳۸۸/۱۶). سردفتر به دلیل برآوردن خواسته مراجعین در راستای وظایفش و مشورت‌دهی به آنان به منظور تنظیم و ثبت سند، می‌بایست از مشتریان خود اطلاعات کامل و دقیقی کسب نماید که لزوماً طرف مقابل برخی از اطلاعات و اسرار محرمانه را بدین منظور در اختیار وی قرار خواهد داد (آدابی/۱۳۸۹/۲۲۰). بنابراین اصل عدم افشای اسرار و اطلاعات در تمامی زمینه‌ها از جمله صدور و تنظیم اسناد، مکاتبات، محاوره‌ها و مشاوره‌های حضوری و همچنین بایگانی و نگهداری اسناد و اختصاص دادن مکانی خاص برای این منظور که از دسترس سایر اشخاص دور باشد، از مصادیق اخلاق حرفه‌ای است که حتی در میان سردفتران اتحادیه اروپایی تحت عنوان رعایت تعهد اسرار حرفه‌ای لازم‌الاجراست (یوسفی محله/۱۳۸۹/۱۸۴). طبق فرمایش حضرت امیر (ع): «سینه خردمند، صندوق راز اوست»<sup>۲</sup> و یا این که «قلب احمق در دهان او، و زبان عاقل در قلب او قرار دارد»<sup>۳</sup> (نهج البلاغه/حکمت ۴۱/۶۳۲). به دلیل اهمیت موضوع نیز شیخ انصاری (ره) در کتاب مکاسب، مبحثی را تحت عنوان «حقوق برادر دینی»<sup>۴</sup> اختصاص داده و امام صادق (ع) در این باره چنین فرمودند: «خداوند به عبادتی بالاتر از ادای حق

۱. همچنین به عنوان مثال رابطه میان موکل و وکیل دادگستری، کارگر و کارفرما، پزشک معالج و بیمار، متصدی بانک و صاحبان حساب بانکی، معلم و شاگرد، مشاورین املاک و ارباب رجوعش و... از جمله روابطی بوده که حفظ اسرار حرفه‌ای نزد صاحبان حرفه به طور ضمنی حاکی از توافقات نانوشته‌ای است (استنلی/۱۳۹۱/۲۰).

۲. «صَدْرُ الْعَاقِلِ صُنْدُوقُ سِرِّهِ».

۳. «قَلْبُ الْأَحْمَقِ فِي فِيهِ، وَ لِسَانُ الْعَاقِلِ فِي قَلْبِهِ».

۴. «حقوق المسلم علی أخیه».

مؤمن، ستایش نگشته است»<sup>۱</sup> (فخارطوسی/۱۳۸۷/ج۶/۱۰۶). همچنین در کتاب وسائل و کشف الريبه به نقل از کنز الفوائد شيخ كراچكى، روایتی از رسول اکرم (ص) آورده شده که «برای مسلمان بر برادر دینی‌اش، سی حق ثابت است که وی از عهده حقوق یاد شده جز به انجام آن، یا مورد بخشش قرار گرفتن، بیرون نخواهد آمد؛ ... ۳. و اسرارش را پوشانده و رازداری امین باشد ... ۹. و اگر نسبت به وی تعهدی کرده، آن را مراعات نموده و مورد عمل قرار دهد ...»<sup>۲</sup> (همان/۱۰۷). حضرت علی (ع) به نقل از پیامبر اسلام (ص) چنین فرمودند: «یکی از شما حقی از، حقوق برادر مؤمن خویش را وامی‌گذارد و در روز قیامت، صاحب حق (برادر دینی) آن را از وی می‌طلبد، و در نتیجه به نفع صاحب حق و به ضرر آن که حق را به جا نیاورده، حکم می‌گردد»<sup>۳</sup> (همان/۱۱۰). نتیجه اینکه حفظ اسرار از زمره حقوقی است که علاوه بر صبعه قانونی، شارع مقدس بدان توجه داشته و ضمن در برداشتن مسؤلیت دنیوی اعم از مسؤلیت مدنی یا کیفری، واجد مسؤلیت اخروی در نزد خداوند متعال بوده و از زمره حقوق الناس محسوب می‌گردد که رعایت آن، بنابه دلایل عقلی و نقلی مذکور، دارای اهمیت بوده و لازم‌الاجراست.

### نتیجه

با توجه به مطالب مورد بررسی در پژوهش حاضر این نتیجه به دست می‌آید که حقوق و اخلاق حرفه‌ای سردفتر هم به مانند بسیاری از تصدی‌ها و مشاغل، با چالش‌هایی روبرو است از جمله در حوزه‌های قوانین و مقررات که به همت و یاری فقه و موازین فقهی نیازمند بوده. از این رو، ضمن اذعان به عدم کارآمدی قوانین در بعضی مصادیق حقوق حرفه‌ای، تمسک و توجه به منابع و مبانی معتبر فقهی و احیای آنها نظیر اجماع، وحدت رویه، فتاوی معتبر و عرف و عادت مسلم، ضروری به نظر می‌رسد.

۱. «ما عُبدالله بشيء أفضل من أداء حق المؤمن».

۲. «قال رسول الله (ص): للمسلم على أخيه ثلاثون حقاً لا براءه له منها إلا بأدائها، أو العفو؛ ... ۳. و یستر عورته ... ۹. و یرعی ذمته ...».

۳. «إن أحذکم لیدع من حقوق أخیه شیئاً فیطالبه به یوم القیامه فیقضی له علیه».

از آنجایی که نهادی بودن حق، نه تنها در حوزه حقوق حرفه‌ای، بلکه از دیرباز در حقوق اسلام به انحای مختلف و تحت عناوین دیگری وجود داشته، بنابراین بهره‌مندی از این نوع کارکرد حق در راستای استیفای حقوق حرفه‌ای سردفتر و حتی احیای حقوق عامه مردم، امری منطقی است.

نتیجه دیگر آن که با عنایت به تاسی نظام حقوقی ایران از فقه اسلامی و میراث تصدی سردفتری از مراجع و آیات عظام، و از سوی دیگر وفق صراحت مقررات که تنظیم و ثبت سند برخلاف نظم عمومی و اخلاق حسنه، منع شده فلذا التفات داشتن به مقولات با صبغه اخلاقی و یا اخلاق حرفه‌ای در تعامل به همکاران و دیگران (اربابان رجوع) حائز اهمیت است. و نتیجه آخر این که به دلیل پویایی فقه و منابع حقوق اسلامی، استفاده از این مبانی و موازین، در احیای برخی اصول اخلاق حرفه‌ای سردفتر، علی‌رغم تضمین مسؤولیت‌های دنیوی، می‌تواند مستمسک و حبل‌المتینی برای رفع مسؤولیت‌های اخروی در قبال صاحبان حق هم باشد.

## منابع و مأخذ

۱. آدابی، حمیدرضا، (۱۳۸۹)، مسئولیت کیفری سردفتران اسناد رسمی در حقوق ایران و فرانسه، انتشارات جنگل (جاودانه)، تهران، چاپ اول.
۲. استنلی، پائول، (۱۳۹۱)، حقوق حفظ اسرار، ترجمه و کیلی مقدم، محمدحسین، انتشارات کتاب همگان، تهران، چاپ اول.
۳. امید، مسعود، (۱۳۸۲)، یادداشتی در باب حقوق و اخلاق در نگاه معاصر ایران (مقاله)، فصلنامه علامه، شماره‌های ۶ و ۷، صفحات ۲۵۲ - ۲۴۲.
۴. انصاری، مسعود، طاهری، محمدعلی، (۱۳۸۸)، دانشنامه حقوق خصوصی، جلد اول، انتشارات جنگل (جاودانه)، تهران، چاپ سوم.
۵. ایروانی، جواد، (۱۳۹۰)، اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، چاپ دوم.
۶. تامانها، برایان.ز.، (۱۳۹۱)، «حقوق و جامعه»، رویکردهای حقوقی و رهیافت‌های فراحقوقی، ترجمه ابدالی، مهرزاد، نشر میزان، تهران، چاپ اول.
۷. الجبعی‌العاملی، زین‌الدین، {شهیدثانی}، (۱۳۹۰)، ترجمه مباحث حقوقی شرح لمعه (الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیة)، ترجمه لطفی، اسدالله، انتشارات مجد، تهران، چاپ نهم.
۸. الجبعی‌العاملی، زین‌الدین، {شهیدثانی}، (۱۳۹۳)، ترجمه و تبیین شرح لمعه، جلد ششم، ترجمه شیروانی، علی، عباسی، محمدمسعود، مؤسسه دارالعلم، قم، چاپ دوازدهم.
۹. جعفری‌لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۸۲)، مکتب‌های حقوقی در حقوق اسلام، کتابخانه گنج دانش، تهران، چاپ سوم.
۱۰. دانش‌پژوه، مصطفی، (۱۳۹۱)، حقوق‌شناسی عمومی «دوره میانی ۲» منابع حقوق «یافتگاه حقوق»، انتشارات جنگل، تهران، چاپ اول.
۱۱. دهقان، رمضان، (۱۳۹۲)، تأثیر انصاف در حقوق خصوصی با نگرشی در حقوق انگلیس، انتشارات فکرسازان، تهران، چاپ اول.



۱۲. رهبری، ابراهیم، (۱۳۸۸)، حقوق اسرار تجاری، انتشارات سمت، تهران، چاپ اول.
۱۳. سبحانی، جعفر، (۱۳۹۳)، المؤجز فی اصول الفقه، جلد دوم، ترجمه غرویان، محسن، طالبیان، سیدمحمدرضا، انتشارات دارالفکر، قم، چاپ دهم.
۱۴. سبحانی، شیخ جعفر، (۱۳۸۷)، ترجمه و شرح المؤجز فی اصول الفقه، جلد دوم، ترجمه زراعت، عباس، انتشارات حقوق اسلامی، قم، چاپ هشتم.
۱۵. سیدرضی (ره)، (۱۳۸۰)، نهج البلاغه؛ ترجمه دشتی، محمد، مؤسسه انتشارات مشهور، قم، چاپ ششم.
۱۶. شهری، غلامرضا، (۱۳۸۸)، حقوق ثبت اسناد و املاک، انتشارات جهاد دانشگاهی واحد علامه طباطبایی، تهران، چاپ بیست و پنجم.
۱۷. صفار، محمدجواد، (۱۳۹۰)، شخصیت حقوقی، انتشارات بهنامی، تهران، چاپ اول.
۱۸. عمیدزنجانی، عباسعلی، (۱۳۸۸)، آیات الاحکام (حقوقی - کیفی)، انتشارات مجد، تهران، چاپ اول.
۱۹. فخارطوسی، جواد، (۱۳۸۷)، شرح محرّمه (مکاسب) در محضر شیخ انصاری با استفاده از تقریرات درس آیت الله پایانی، جلد ششم، نشر دارالحکمه (علامه)، قم، چاپ پنجم.
۲۰. فخارطوسی، جواد، (۱۳۸۷)، شرح محرّمه (مکاسب) در محضر شیخ انصاری با استفاده از تقریرات درس آیت الله پایانی، جلد هفتم، نشر دارالحکمه (علامه)، قم، چاپ پنجم.
۲۱. فخارطوسی، جواد، (۱۳۸۷)، شرح محرّمه (مکاسب) در محضر شیخ انصاری با استفاده از تقریرات درس آیت الله پایانی، جلد نهم، نشر دارالحکمه (علامه)، قم، چاپ پنجم.
۲۲. قبیله‌ای خویی، خلیل، (۱۳۸۹)، آیات الاحکام (حقوق مدنی و جزایی)، انتشارات سمت، تهران، چاپ هفتم.
۲۳. قراملکی، احدفرامرز، (۱۳۸۸)، اخلاق سازمانی «مجموعه اخلاق حرفه‌ای ۲»، جلد دوم، انتشارات سرآمد، تهران، چاپ اول.
۲۴. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۰)، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران انتشارات شرکت سهامی انتشار، تهران، چاپ بیست و هشتم.

۲۵. محقق داماد، سیدمصطفی، (۱۳۸۷)، مباحثی از اصول فقه (دفتر دوم: منابع فقه)، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران، چاپ پانزدهم.
۲۶. محمدی، ابوالحسن، (۱۳۸۰)، مبانی استنباط حقوق اسلامی یا اصول فقه، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، چاپ سیزدهم.
۲۷. مصباح‌یزدی، محمدتقی، (۱۳۸۹)، فلسفه اخلاق، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، تهران، چاپ پنجم.
۲۸. مظفر، علامه محمدرضا، (۱۳۹۱)، ترجمه و تبیین اصول فقه «مظفر» (مبانی استنباط فقه و حقوق)، جلد سوم، ترجمه زراعت، عباس، مسجدسرای، حمید، انتشارات پیام‌نوآور (حقوق اسلامی سابق)، قم، چاپ چهارم.
۲۹. موسوی‌الخمنی، سیدروح‌الله، {امام‌خمنی}، (۱۳۸۶)، ترجمه تحریرالوسیله (همراه با متن عربی)، جلد دوم، ترجمه موسوی‌همدانی، سید محمدباقر، مؤسسه دارالعلم، قم، چاپ اول.
۳۰. نجفی، محمدحسن، {صاحب جواهر}، (۱۳۹۳)، ترجمه جواهر الکلام «تجارت»، جلد اول، ترجمه نایب‌زاده، اکبر، انتشارات خرسندی، تهران، چاپ اول.
۳۱. نجفی، محمدحسن، {صاحب جواهر}، (۱۳۹۳)، ترجمه جواهر الکلام «تجارت»، جلد سوم، ترجمه نایب‌زاده، اکبر، انتشارات خرسندی، تهران، چاپ اول.
۳۲. هال، آلن، (۱۳۹۱)، «نظریه‌های حق»، رویکردهای حقوقی و رهیافت‌های فراحقوقی، ترجمه ابدالی، مهرزاد، نشر میزان، تهران، چاپ اول.
۳۳. یوسفی‌محله، ابراهیم، (۱۳۸۹)، ترجمه و تألیف بایسته‌های اخلاق حرفه‌ای سردفتران اتحادیه اروپایی (مقاله)، ماهنامه خبری تحلیلی در زمینه علوم انسانی (کانون سردفتران)، شماره ۱۰۴، صفحات ۱۸۷-۱۸۱.